

انتخاب من برای چنین نقشی در ابتدا برای خودم هم عجیب بود، اما می‌دانستم توانایی لازم را دارم و می‌توانم از عهده اجرای درست این شخصیت برآیم.

○ بازی در «لیلی با من است» که یکی از ماندگارترین کمدی‌های سینمای ایران است، چه تجربه‌ای برای شما رقم زد و همکاری با پرویز پرستویی چه تأثیری بر بازی‌تان داشت؟

«لیلی با من است» فیلم موفقی در ژانر کمدی بود و سکانس‌هایی که با پرویز پرستویی داشتم، بسیار خوب از کار درآمد. پیش از آن نیز در سریال «می‌گی نه، نگاه کن» در کنار علیرضا خمسه تجربه بازی در فضای کمدی را داشتم و برای ایفای نقشم از لهجه شیرازی استفاده کرده بودم. از آنجا که نویسنده و کارگردان به توانایی من اعتماد داشتند، برای بداهه‌پردازی نیز آزادی عمل داشتم.

○ همکاری با ته‌مینه میلانی در «تسویه حساب» برای بسیاری از مخاطبان غیرمنتظره بود. چه شد که این پیشنهاد را پذیرفتید و تجربه همکاری با ایشان چگونه بود؟

ته‌مینه میلانی از بازی من رضایت داشت. از ایشان پرسیدم چرا مرا برای این نقش انتخاب کرده‌اند. گفتند چون به بازی شما علاقه دارم، این نقش را به شما سپردم. همچنین معتقد بودند شخصیتی که من ایفا می‌کردم، در مقایسه با دیگر مردان فیلم، فردی موجه‌تر بود.

○ با توجه به اینکه این شخصیت ظاهری دون‌ژوان داشت، نگران نبودید مخاطبان برداشت متفاوتی از شما پیدا کنند؟

این شخصیت، مردی ساده‌دل و خوش‌قلب بود و هیچ وجه منفی نداشت.

○ در فیلم «اخلاق‌خوب کن» بار دیگر نقش یک روحانی را ایفا کردید. تجربه‌های قبلی‌تان تا چه اندازه به باورپذیر شدن این شخصیت، به‌ویژه در فضای طنز، کمک کرد؟

پیش از این نیز در آثاری مانند «حدیث سرو» و نقش شهید دستغیب، تجربه ایفای نقش روحانی را داشتم. توانستم از آن تجربه‌ها برای پرداخت درست شخصیت روحانی فیلم «اخلاق‌خوب کن» که فضایی طنز داشت، به‌خوبی استفاده کنم.

○ همکاری با ابراهیم حاتمی‌کیا در فیلم «خروج» و ایفای نقش یک تراکتورسوار چه چالش‌هایی برایتان داشت؟

پیش از بازی در فیلم «خروج»، اصلاً تراکتورسواری بلد نبودم و این کار برایم بسیار سخت بود. از سوی دیگر، حرکت هم‌زمان تعداد زیادی تراکتور در فاصله‌ای کم، نیازمند زمان، دقت و هماهنگی فراوان بود. از آنجا که سیستم ترمز تراکتور با خودرو تفاوت دارد و دیرتر عمل می‌کند، یک بار نیز با تراکتور آقای فرامرز قریبیان برخورد کردم.

○ بسیاری معتقدند کار با ابراهیم حاتمی‌کیا سخت و پرچرب‌ت است. تجربه همکاری با او برای شما چگونه بود؟

تجربه بسیار خوبی بود. آقای ابراهیم حاتمی‌کیا برای حضور در فیلم، مجموعه «موسی» نیز شخصا از من دعوت کردند، اما به دلیل بیماری نتوانستم با این پروژه همکاری کنم. خودم هم بسیار دوست داشتم در «موسی» بازی کنم.

○ همکاری شما با مجتبی راعی در چند فیلم و مجموعه تلویزیونی ادامه‌دار بوده است. این همکاری را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

از این همکاری بسیار راضی هستم. مجتبی راعی کارگردان بسیار خوبی است و در آثاری مانند «تابستان ۵۸»، «تونل» و «غزال» با ایشان همکاری داشتم. این همکاری در آخرین اثرشان، «آتش و باد» نیز ادامه پیدا کرد.

○ این روزها پس از پشت سر گذاشتن دوران بیماری، مشغول چه کاری هستید و آیا فعالیت جدیدی را آغاز کرده‌اید؟

سال گذشته، پس از بیماری‌ام که مدت زیادی طول کشید، در هفته شیراز برای شبکه استانی شیراز برنامه‌ای اجرا کردم.

○ آیا فیلم‌های ایرانی در حال اکران را دنبال می‌کنید؟ ارزیابی شما از وضعیت این روزهای سینمای ایران چیست؟

کم‌وبیش دنبال می‌کنم و کمتر فیلم خوبی دیده‌ام. بیماری‌ام حتی روی کتاب خواندنم نیز تأثیر گذاشته است؛ به‌گونه‌ای که حتی قرص خواب من، یعنی شاهنامه‌خوانی شبانه، نیز دچار وقفه شد.



«بابا عقیل» مطرح بودند و انتخاب نهایی چگونه انجام شد؟

شخص‌ترین گزینه برای ایفای این نقش، استاد انتظامی بود. زمانی که قرار شد من این نقش را بازی کنم، کارگردان برای احترام به استاد با ایشان تماس گرفت و گفت بازیگری از شیراز را برای ایفای این نقش انتخاب کرده است. استاد انتظامی گفت: «حتماً مهدی فقیه است؛ عین خود نقش و انتخاب درستی است.»

استاد انتظامی در اولین اکران فیلم حضور داشت و من را در آغوش گرفت و گفت: «آفرین، نقش‌ت را درست ایفا کردی و تو را برنده سیم‌رغ می‌دانم.» هنوز هم بعد از گذشت سه دهه، هر جا می‌روم مردم می‌گویند: «بابا عقیل، چطوری؟»

○ آیا هنوز هم پس از گذشت سال‌ها، مردم شما را با نقش «بابا عقیل» می‌شناسند؟

چند وقت پیش به روستایی دورافتاده در شیراز رفته بودم و با این واکنش مواجه شدم. فکر می‌کنم نقش «بابا عقیل» در ذهن مردم حک شده باشد و از یاد نمی‌رود.

دیگر این نوع فیلم‌های شاعرانه و لطیف درباره جنگ ساخته نشد و سینمای جنگ به وادی دیگری افتاد. امام (ره) فرمودند: «بچه‌های ما در زمان جنگ یک‌شنبه ره صدساله را رفتند و به بلوغ رسیدند.» الان که وضعیت سینما به ورطه فیلم‌های کمدی سطحی افتاده است.

○ مرز میان تعهد به مخاطب و آزادی هنری را در انتخاب نقش چگونه تعریف می‌کنید؟

همیشه تلاش کردم نقش‌هایی را انتخاب کنم که به شخصیت بابا عقیل خدشه‌ای وارد نکند و در شأن مردمی باشد که همواره به من احترام و محبت داشته‌اند. پیش از این نیز در دیگر آثار آقای حمیدنژاد، از جمله «ستارگان خاک» و «قله دنیا» حضور داشتم.

برای من، واکنش و نظر مخاطبان اهمیت بسیاری دارد. ما در کشوری با پیشینه فرهنگی و اخلاقی زندگی می‌کنیم و معتقدم نباید هر نقشی را پذیرفت. فرهنگ ما حتی با برخی کشورهای همسایه، مانند ترکیه، تفاوت‌های جدی دارد و باید از این میراث چند هزار ساله مراقبت کنیم.

متأسفانه برخی فیلمسازان به سراغ مضامینی می‌روند که نه با دغدغه‌های مردم همخوانی دارد و نه مورد استقبال آنان قرار می‌گیرد.

○ با توجه به اینکه مخاطبان شما را بیشتر با نقش‌های مثبت و پدران می‌شناسند، پذیرفتن شخصیت جادوگر در «ملک سلیمان» چه ریسکی برایتان داشت و این تجربه چه تغییری در نگاه شما به انتخاب نقش‌های متفاوت ایجاد کرد؟

منفی‌ترین نقشی که تاکنون بازی کرده‌ام، نقش جادوگر در فیلم «ملک سلیمان» بود. برای ایفای این نقش، هر روز حدود هشت ساعت در اتاق گریم حضور داشتم تا آماده فیلم‌برداری شوم. آقای شهریار بحرانی معتقد بود این شخصیت یکی از نقش‌های کلیدی و مکمل فیلم است و از میان هشت گزینه، مرا برای ایفای آن انتخاب کرد.

همین‌طور است و این فعالیت‌ها مسیر رشد و پیشرفت‌شان را فراهم کرد. در این میان، مجید افشاریان متن‌های زیادی می‌نوشت و برخی از آن‌ها را کارگردانی می‌کرد. یکی از این نمایش‌ها «آرمون» بود که با توجه به جذابیت‌هایش، حتی در تهران هم اجرا شد.

○ همسر ایرانی «ژان کلود کری‌یر» در کتاب خاطراتش به روزهای خوشی که در شیراز با شما داشته‌اند اشاره کرده است. از آشنایی‌تان با کری‌یر و خاطراتی که از این هنرمند و نویسنده بزرگ دارید، برایمان بگویید.

در زمان حضورم در فرانسه، در پاریس با ایشان آشنا شدم و رفت‌وآمد خانوادگی داشتیم. کری‌یر انسان بزرگ و فرهیخته‌ای بود و تأثیر و هنر ایران را به‌خوبی می‌شناخت. او شاعران ایرانی و سبک شعر گفتنشان را بسیار بهتر می‌شناخت. حضور خانم تجدد هم در ایجاد رابطه بین من و کری‌یر مؤثر بود.

○ «کری‌یر» فعالیت‌های عروسی شما را دنبال می‌کرد؟

بله، پیگیر بود و به من راهنمایی‌های زیادی می‌کرد و از او آموختم.

○ آیا در آن دوران به همکاری مشترک با ژان کلود کری‌یر فکر کرده بودید؟

خب، فرصتش پیش نیامد و من از مقطعی درگیر بازی در سینما شدم. بعد از انقلاب، فضای خوبی برای تئاتر و تئاترهای وجود نداشت. هر جا می‌رفتیم، با خشم و کتایه می‌گفتند: «جشن‌هنری‌ها آمدند!»

در حالی که جشن‌هنر به ما ارتباطی نداشت و فقط در شیراز برگزار می‌شد. حتی در دوره‌هایی، بلیت هم به ما نمی‌دادند که کارها را ببینیم.

متولیان برگزاری جشن آن تهران بودند و شیراز فقط محل برگزاری آن بود.

○ آیا فضای ایجادشده در آن سال‌ها باعث شد بسیاری از هنرمندان شیراز برای ادامه فعالیت حرفه‌ای به تهران مهاجرت کنند؟

البته من علی‌رغم این جو مسموم، تا مدتی در شیراز ماندم و برای اولین بار در فیلم سینمایی «تابستان ۵۸» به کارگردانی مجتبی راعی بازی کردم و درگیری بازیگری شدم.

○ از تجربه بازی در نقش «بابا عقیل» در فیلم «هور در آتش» بگویید.

اولین سکانسی که بازی کردم، حمیدنژاد در آلبوم عکسی که مهرشاد کارخانی از بازیگران فیلم تهیه کرده بود، زیر عکس من نوشت: «از تو بابت اینکه بابا عقیل را به من دادی تشکر می‌کنم.» بابا عقیل در اصل یک عارف عامی بود که به حضرت حافظ ارادت داشت.

○ آیا احساس می‌کنید ویژگی‌های شخصیتی شما به نقش «بابا عقیل» نزدیک بود؟

حمید نژاد هم بازیگری می‌خواست که به بابا عقیل نزدیک باشد. برای انتخاب این نقش خیلی تلاش کرده بود و بسیاری از بازیگران باسابقه سینما و تئاتر را زیر نظر گرفته بود.

○ چه بازیگرانی پیش از شما برای ایفای نقش

بگذرد. هر روز از ساعت ۱۲ به بعد به سالن می‌آمدیم و حتی برای تأمین غذای بچه‌ها که نان و پنیری بود، برخی از دوستان کمک می‌کردند. برای اجراهای خارج از شیراز نیز اتوبوسی تهیه می‌کردیم و در پایان هر اجرا در نقاط مختلف استان فارس، کتابی هم به بچه‌ها اهدا می‌کردیم. زنده‌یاد دکتر خدادوست، بزرگ‌ترین جراح چشم ایران در آن زمان، یک‌بار که برای دیدن اجراها آمده بود و رسم اهدای کتاب ما به بچه‌ها را دید، خودش هم تعداد زیادی کتاب تهیه کرد و در اختیار ما گذاشت.

○ آیا فعالیت‌های عروسی شما تنها به حوزه ادبیات عامیانه محدود می‌شد یا سراغ دیگر منابع فرهنگی و ادبی هم می‌رفتید؟

از کارهای شاهنامه، متن‌های آماده می‌کردیم و براساس آن اجرا داشتیم. در جشن هنر شیراز هم توانستیم در بخش جنبی و در شهر شیراز، جشنواره نمایشی اجرا کنیم. خبرنگار هنری روزنامه لوموند آمد و اجرای ما را دید، خوشش آمد و نقد مثبتی در لوموند نوشت.

○ برخی از اهالی تئاتر معتقدند برگزاری جشن هنر شیراز و اجرای آثار بین‌المللی مانند «ارگاست» و حضور هنرمندان سرشناسی چون پیتر بروک، خلیج، آربی آوانسیان و دیگر چهره‌های مطرح ایرانی و خارجی، به رشد تئاتر مدرن ایران کمک کرد. شما تا چه اندازه با این دیدگاه موافق هستید؟

دوره‌های اول برگزاری جشن، بسیار پربرار، برنامه‌ریزی شده و هدفمند بود و آثار باکیفیتی روی صحنه می‌رفت که باعث رشد جوان‌های تئاتری می‌شد. در این جشن، سوای تئاتر، در بخش موسیقی هم گروه‌های معتبری حضور پیدا می‌کردند. به یاد دارم در دوره‌ای، گروه موسیقی از مراکش آمده بود که بسیار درخشان کار می‌کرد و گروه‌های معتبری از انگلیس و فرانسه نیز حضور داشتند.

در مقطعی، جشن هنر به دست عده‌ای افتاد که بسیار آوانگارد و به اصطلاح پیشرو بودند و لطامات زیادی به جشن وارد کردند. روزنامه لوموند نیز در آن زمان تیت‌ر زد: «جشن فراموش شده شیراز» و تأکید داشت که برخی از اجراها با فرهنگ جامعه ایرانی سنخیتی ندارد.

○ آیا در حوزه نمایش‌های شاهنامه‌ای و روایت‌های حماسی نیز فعالیت داشتید؟

اواخر دهه چهل، گروه نقالی با حضور هنرمندانی نظیر مجید افشاریان، حبیب دهقان‌نسب، محمد پاک‌نیت و جمشید اسماعیل‌خانی تشکیل داده بودیم و کارهای شاهنامه‌ای را به دل روستاها و مناطق عشایری دورافتاده می‌بردیم؛ در جاده‌های خاکی و سنگلاخی برای مردم اجرا می‌کردیم. برای این اجراها مدت زمان زیادی تمرین می‌کردیم.

○ این حضورها و تجربه‌های نمایشی در سال‌های جوانی، چقدر در شکل‌گیری مسیر هنری افرادی مانند حبیب دهقان‌نسب، محمد پاک‌نیت و جمشید اسماعیل‌خانی تأثیرگذار بود؟